



شهریار



جلال دختران

نشریه نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان

سرمقاله

متن بیانیه محترم لعل میر دانشور مرادی مدیر مسئول ماهنامه الله یار در نشست جوانان سلطانیار، خدایار و الله یار تحت نام "اتفاق، وحدت، هماهنگی و تصمیم گیری روی بعضی مشکلات" که به روز دوشنبه تاریخ 30 اسد سال 1391 برابر با روز دوم عید سعید فطر به ساعت یک بجه بعد از ظهر در قریه پوزه لیچ علیا برگزار گردیده بود:

به اجازه دوستان، به نمایندگی از جوانان حاضر الله یار در این محفل، دومین روز عید سعید فطر را به تمام مسلمانان جهان، کشور عزیز مان افغانستان وبالخصوص به مردم متدین و غیور غور تبریک و تهنیت عرض میدارم. موضوعی را که در این بیانیه گنجانیده ام، در رابطه به عنوان فوق طور فشرده حضور شما بخوانش میگیرم:

دوستان عزیز!

اتحاد و وحدت ضامن سعادت، پیروزی و رفاه و آرامی میباشد. در طول تاریخ کسانی سربلند و حاکم بوده اند که اتحاد داشتند. وحدت چوپانان مغول را به خاندان بزرگ جهان مبدل ساخت، اتحاد، نور اسلام را در زوایای مختلف زمین انتشار داد و بالاخره وحدت دنیا را به اوج ترقی و پیشرفت رساند.

اما نفاق بر عکس بزرگترین امپراطوری هارا بخاک یکسان کرد. سلاطین غوری و تمدن ایشان را به بادنیستی و تباهی کشاند. دولت خوارزم شاهی را بزیر سم اسپان مغول خورد و خمیر ساخت.

از گذشته نه چندان دور بادی می آوریم: به ببیند که نفاق از شهادت شهید عبدالستار حکیمی تا شهادت قاضی قربان "کریمی" چه فجایعی را بالای مردم سلطانیار و خدایار بمیان آورد؛ چقدر انسان کشته شد و چقدر خسارات مالی بوجود آمد!

در مقابل، اتحاد مردم بیابان نشین را به حکومت داری رساند و آنها را آبرو بخشید و صاحب جاه و مقام گردانید. از یکسو وحدت مردم دیگر و از سوی دیگر نفاق خدایار و سلطانیار کار را بجای رساند که یک فرد از یک جای دور وارد منطقه می شد و هر که را میل داشت، میکشت و خانواده و هستی اش را با خود غنیمت می برد.

این نفاق و عدم وحدت نه تنها به این دو قوم بلکه الله یار را نیز هم سطح خاک گردانید.

چون فطرتا بعضی انسانها چهره و افکاری را بخود ایجاد و پرورش میدهند که غلامی و دست پابوسی بیگانگان را سرلوحه کاری زندگی قرار داده و وسیله ادامه و آبروی حیات خویش می پندارند. در بین مردم الله یار نیز چنین چهره ها بروز کردند، کمر همت را در راه غلامی محکم بستند و از خود چهره سه بعدی تبارز دادند طوری که یک چهره ایشان متوجه کشتن، چپاول و نابودی مردم الله یار بود، چهره دومی بخدمت بداران و ارباب بیگانه و دستور آنها قرار داشت و چهره سومی آنها نقش چاپلوسی و خوش آمد گویی با مردم سلطانیار و خدایار را بخود گرفت تا از این طریق بشما بفهمانند که این آقایان و ارثان حقیقی رهبری الله یار و ارباب بیگانه اند بهمین خاطر حق دارند هر طور که میل ایشان باشد، مردم مستضعف الله یار را بتازند. این چهره ها که عده ناچیزی را در الله یار تشکیل میدهند تا کنون نزد عزیزان خدایار و سلطانیار از احترام خاصی برخوردارند.

مردم الله یار در میدان سیاست بنام یکی از برادران سلطانیار و خدایار دانسته شده اما از دید اخلاقی و دلسوزی جز بریدن گردنهای ایشان، چیز دیگری دیده نشده است. بطور مثال در سال 1370 - 1371 گروه کثیری از مردم الله یار که از دست ظلم چهره های سه بعدی به بره خانه آمده بودند و زمستان بی اندازه سخت و پربرفی را در زیر آسمان برف، سرما و باران گذرانده بودند، همین کاکاهای سلطانیار و خدایار نظر به هدایات چهره های سه بعدی، آنها را در بهار 1371 چنان به دراندن آنها دادند که نظیر آنرا تاریخ بیاد ندارد گذشته از آن، شخصی را که آقای نجات نامه بدستش داد تا بیکی از چهره های سه بعدی برساند، در بین راه با بی رحمانه ترین حالت بقتل رسانده شد. این موضوع تا امروز دوام دارد.

ما جوانان الله یار که تشنه وحدت تمام جوانان غور و بلکه همه مردم افغانستان هستیم، به این باوریم که جوانان سلطانیار و خدایار ادامه دهندگان مثنی پیشینیان خود بوده محال است که از آن مسیر انحراف ورزند. چنانچه خود مردگان ... یکی از چهره سه بعدی دیگر الله یار بنام شهید، معلول و معیوب بیشترین سهم را در شهدا و معلولین دارند اما دیگران حتی عریض و حرف شان گوش شنوا ندارد.

جوانان محترم! شما شاید در جریان باشید که چهره های سه بعدی خود را مثل غلامان ترک سلطان شهاب الدین وارث مشروع منطقه الله یار میدانند ازینرو بلا وقفه کشتن، چور و غارت دارانی مردم الله یار را بومیه انجام میدهند و تاحال هر چه را که مردم الله یار داشتند بتاراج بردند علاوه این دسته بدکار بحدی جرئت یافتند که دست به ربودن زنان و دختران مردم زدند چنانچه مثال آنرا همه شنیدید که هنوز انتظار موج خون برده میشود.

ما جوانان الله یار همه این شرارت هارا از طریق سایت جام غور بوقت وزمانش به اطلاع تمام مردم رساندیم ولی متأسفانه حتی کوچکترین نظری که اندک تسلی دهنده به مردم الله یار باشد، از هیچ یک از سلطانیارها و خدایارها نشنیدیم و خواندیم گویا اینکه همه این بدکاریها امر عادی و مجاز دانسته شده و جزای مردم الله یار بوده است.

اگر از تمام این بدیها نامی ببریم روزها وساعت ها طول میکشد ولی برمیگردیم به اصل مطلب که عبارت از وحدت و اتحاد باشد. ما جوانان الله یار دست وحدت و همکاری اخلاقی را بسوی تمام جوانان اقوام مختلف غور و سرتاسر افغانستان دراز نموده آرزو داریم تا همه بسوی ما از دید وحدت اخلاقی قومی بنگرند نه از دید وحدت سیاسی. ما جوانان الله یار وحدت بمنظور استفاده سیاسی را از هیچ جانبی پذیرفته نمیتوانیم چون میدانیم که این کار آزادی را از ما و مردم الله یار صلب نموده و ما را به لجن زار غلامی می اندازد. آنچه که ما جوانان الله یار انرا می پسندیم وحدت اخلاقی میباشد. ما اخلاقاً هر بد را بد میگویم و هر نیک را نیک. از نیک حمایت میکنیم و از بد نفرت می ورزیم. ما طرفدار شایستگی، لیاقت و مدیریت داری خوب می باشیم. ما هر کس را از روی کار کردهایش در ترازوی عقل و درک مردم خود وزن میکنیم. ما چهره های مکار و خیانتگر را خوب می شناسیم. ما خوب بیاد داریم که در تابستان 1370 در منطقه کوشک زی رضا و اطرافش 60 نفر جوان، پیر، زن و طفل ما چگونه بیرحمانه بهلاکت رسیدند. ما خوب بیاد داریم که در همان سال چقدر جوان ما بزور سوق گردیده و لادربک شدند. ما دوستان و دشمنان خود را خوب می شناسیم. ما ترکیبات اداری و ولایت خود را خوب میدانیم. بناء اگر کسی از ما جوانان وحدت می خواهد بیاید و با ما از وحدت اخلاقی حرف بزند. ورنه وحدت سیاسی در اینجا دامی است که مثل بزرگان ما، ما را به مکر و تذبذب چهره های سه بعدی می اندازد.

بار دیگر یاد آور می شویم که ما حاضریم از نگاه وحدت اخلاقی با همه جوانان متحد شویم و بهمه شخصیت های شایسته و کارکن و درستکار همدست باشیم.

آنچه که امروز واضحا باید بگوئیم اینست که این محفل را زمانی برگزار کرده اید که جوانان ما همه در سنگر ها و خانه های خود اند لذا ما نمیتوانیم از آنها نمایندگی کنیم. از سوی دیگر پروسه وحدت و همبستگی صرف به یک جلسه و یا گردمانی تکمیل شده نمیتواند. اینکار ایجاب مینماید تا حد اقل هفته ها و ماه ها باهم بنشینیم و گذشته ها را مرور کنیم، نقایص را موبمو بررسی نماییم و آنها را با عقل سالم رفع سازیم.

چه می شد که امروز از تمام جوانان اقوام دیگر ساکن در غور نماینده گانی دعوت می شدند و حرف های ما را می شنیدند!

دراخیر اینکه اگر جوانان حاضر چنین قصدی دارند که در بین چهره های سه بعدی و مردم الله یار طرح حل قضیه دختر نامزد دار ر بوده شده را داشته باشند، ما جوانان الله یار بصراحت یاد آور می شویم که حالا دیر شده است. ما همه اعم از خورد و بزرگ، پیر و جوان و مرد و زن خود را مکلف میدانیم تا که زنده ایم از ناموس و مردم خود دفاع نماییم. مرگ ما بخاطر ناموس و احبای آبروی ما است. ما حالا از دهن اکثریت مردم این شهر می شنویم که میگویند مردم الله یار یکسره دیوانه اند، بخاطر یک زن دست به اینقدر خرابی و جنگ میزنند. ما به همچو کسان میگوئیم که اگر زن ارزش نداشته باشد، ناموس و دارانی مهم نباشد، کشتن عالم و دهقان ارزش نداشته باشد، پس شما بگوئید که ارزش درجه میباشد؟ در غلامی! خدمت بیگانه! یا عاجزی و ناتوانی!؟

شما خود قضاوت کنید.

تشکر از توجه تان!

اسلام علیکم و رحمت الله و بر کاته

به مناسبت یازدهمین سال یاد شهادت قهرمان ملی و سپهسالار جهاد و مقاومت مردم افغانستان، شهید احمد شاه مسعود و هفتهی شهید!

خانواده شهدا، مجاهدان آزاده و ملت شریف افغانستان! شهادت جانکاه فرمانده نستوه، مبارز آزادی و عدالت خواهی، شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی و سپهسالار جهاد و مقاومت و تمام شهدای راه اسلام و عدالت را به حضور شما ملت شریف تسلیت عرض نموده، آرزو داریم که خداوند بزرگ به برکت هدیه خون سرخ شهادت و فداکاری این مردان خدا، در کشور عزیز مان صلح و آرامی را مستقر گردانیده و آزادی و عزت را نصیب همه مردم سرفراز این دیار سازد. مردم ما در حالی یازدهمین سال یاد شهادت قهرمان ملی و هفته شهید را گرمی می دراند که هنوز آرمانها و اهداف شهید مسعود و همه شهیدان بزرگوار این دیار که آزادی، صلح و برقراری عدالت در کشورشان بود، نه تنها عملی نشده بلکه متأسفانه با گذشت هر روز فساد، ناامنی و دشواری های بیشتری مردم شان را رنج می دهد. این پاسداران شرف و عزت مردم افغانستان، همه چیزشان را در راه خدا به خاطر برپایی عدالت مایه گذاشتند و نقد جان را در کف خاک نهادند تا مردم شان با سرفرازی و آزادی، در یک نظام مردمی و عدالت محور، به دور از ظلم و استبداد و گسترش فساد زندگی نمایند. آرمان و راه شهید مسعود، شهید استاد عبدالعلی مزاری، شهید ذبیح الله، شهید افضل، شهید عبدالحق، شهید حاجی قدیر، شهید سید مصطفی کاظمی، شهید فرمانده داوود، شهید مولانا سید خیل، شهید خان محمد مجاهد، شهید مطلب بیگ، شهید احمد خان سمنگانی و شهید صلح، رهبر جهاد و مقاومت پروفیسور استاد برهان الدین ربانی که الگو و پیشوای همه مجاهدان و مقاومتگران بود، تلاش برای سرفرازی، تأمین عدالت و آزادی

در این کشور بود. آنها از هیچ چیز برای رسیدن به اهداف خود دریغ نوزیدند و با تمام توطئه های بیرونی و داخلی مبارزه نمودند تا آن که جام شهادت را با جبین گشاده نوشیدند. آنچه که قابل تأمل میباشد این است که دولتی که از اثر قربانی دادن مردم ما و به بهای خون پاک شهیدان بزرگوار به میان آمده است، نه تنها که در پاسداری از آرمانها و اهداف آنها به گونه ی شایده و باید کاری نکرده است بلکه با تروریستان طالب و قاتلان شهیدان که دشمن مردم ما اند، دست دوستی داده است.

از سوی دیگر حتی با گذشت یازده سال از شهادت قهرمان ملی و همین طور گذشت چندین سال از شهادت دیگر مقاومت گران، هیچ تلاشی را در پی روشن شدن علت و انگیزه شهادت و همین طور معرفی توطئه گران خارجی و داخلی که با شهید ساختن بزرگ مردان این سرزمین می خواهند اهداف شوم شان را عملی کنند، شاهد نبوده ایم. همین گونه از اثر غفلت دولت، تروریستان با همکاران بیرونی و حلقات حکومتی شان، یکی پی دیگر مردان جهاد و مقاومت را که اصلی ترین نیروی بازدارنده تسلط ترور و وحشت در این سرزمین است، به شهادت می رسانند و این هشدار بزرگی است بر ملت ما. اکنون یک سال از شهادت رهبر جهاد و مقاومت شهید استاد برهان الدین ربانی می گذرد، عامل شهادت ایشان فردی بود که به اعتماد حکومت به منزل استاد رفته و جناب استاد متکی به این اعتماد که حکومت وی را معرفی نموده است، حاضر به ملاقاتش شد که متأسفانه توسط این فرد به شهادت رسید.

قرار شد حکومت در این مورد تحقیقاتی را انجام داده و نتیجه اش را در اختیار مردم افغانستان بگذارد؛ اما تا هنوز این مسئله هیچ روشن نیست. همین طور، پرونده شهادت هریک از رهبران و فرماندهان مقاومت مکتوم و مبهم مانده است و حاکمیت آلوده به فساد تا هنوز در این راستا کاری را از پیش نبرده است. همچنان اکثر مبارزانی که در جهاد و مقاومت مردم افغانستان معلول شده اند در بدترین وضعیت اقتصادی قرار داشته و خانواده های شهدا نیز دچار مشکلات فراوان اند. دولت در این زمینه مکلف است که به معلولان عزیز که اعضای بدن شان را فدای دین، آزادی و کشور کرده اند و یا در حملات تروریستی طالبان و دیگر تروریستان از دست داده اند، رسیده گی نموده و آنها را از نظر اقتصادی با تعیین حقوق مشخصی کمک نماید. همین گونه باید خانواده های شهیدایی که در جهاد و مقاومت و یا حملات تروریستی به شهادت رسیده اند و شهیدان نیروهای امنیتی کشور که در برابر تروریستان جان شان را فدا کرده اند، کمک جدی شده و با آنها همدردی صورت گیرد. با استفاده از فرصت، ما از مردم شریف افغانستان تمنا داریم که در پاسداری از آرمانهای شهدای خویش استوار بوده و حکومت مکلف است که هر چه زودتر عاملان ترور شخصیت های جهاد و مقاومت مردم افغانستان را شناسائی و به مردم افغانستان معرفی نماید. در پایان، برای شهدای عزیز بهشت برین و برای بازماندگان شان، پایداری و صبر تمنا داریم.

چگونگی پیشبرد دعوت اسلام

یقیناً سبب تخلف و عقب مانگی مسلمانان از قافله جهانی تمسک آنها به دین شان بهیچ صورت نمیباشد لیکن تخلف و پس ماندگی مسلمانان روزی آغاز گردید که آنها این تمسک را ترک نموده و در پیروی از دین شان تساهل نمودند و به داخل شدن فرهنگ بیگانه به سرزمین شان اجازه دادند و مفاهیم غربی را اجازه دادند تا اذهان مسلمانان را اشغال کند همانگونه که از قیادت فکری اسلامی سر باز زدند و از دعوت اسلامی باز نشستند و در راه تطبیق احکام اسلام تخلف ورزیدند .

یگانه راه پیشرفت و ترقی مسلمانان در این امر نهفته است که آنها باید زندگی اسلامی شانرا از سر بگیرند جز از طریق پیشبرد دعوت اسلامی، رسیدن به هدف ممکن نمی باشد. فقط با پیشبرد قیادت فکری اسلامی میتوان حکومت اسلامی را توسط دعوت اسلامی پایه گذاری نمود.

لازم است تاد راه پیشبرد دعوت اسلامی سعی و تلاش زیاد بخرچ داده شود تا اینکه از طریق این دعوت قیادت فکری که از آن نظام بوجود می آید، بنام جهان عرضه شود و همه افکار مبتنی بر همین قیادت فکری باشند و نیز تمام مفاهیمی که در نظریه زندگی بدون استثناء موثریت دارند، از همین افکار بدست می آید . امروز با پیروی از رسول الله(ص) بدون اندک تخلف و کجروی از اصل این طریقه، در اصول و جزئیاتش انجام دعوت صورت گیرد و دعوت اسلامی بدون در نظر داشت تغییرات در عصر ها و زمانه ها به پیش برده شود تا قیادت فکری اسلامی مسلط گردد زیرا آنچه تغییری می پذیرد همانا وسایل

و اشکال میباشد در حالیکه معنی و جوهر اختلاف ناپذیر اند گرچه زمانها، قصرها و انسانان در تغییر هستند.

بدین اساس حمل دعوت اسلامی مقتضی جرئت، صراحت، قوت فکر و چلنج دادن با همه آنچه که مخالف فکر و طریقه اسلام است ، میباشد. صرف نظر از نتایج و اوضاع زمان ، پیشبرد و حمل دعوت اسلامی اینرا می طلبد که باید سیادت مطلق برای ایدئولوژی اسلامی بوده صرف نظر از اینکه با آن همه موافق میشوند و یا خیر و یا آن مطابق عادات و رسوم مردم است و یا مناقض با آنها و یا انرا مردم می پذیرند و یا نمی پذیرند .

حامل دعوت اسلامی در راه این دعوت باید در برابر مردم از چاپلوسی و مدهانت استفاده نکند و همچنان باید در برابر کسانی که قدرت و سلطه دارند، مجاملت و خوش حرفی و چرب زبانی نکند و پیروی عادات و تقالید

دانستنی ها :

1 – نام فرزند بیدل عبدالخالق بود .

2 – (51) درصد جمعیت جهان را زنان و (49) فیصد آن را مردان تشکیل می دهند .

3 – بیدل در پنج و نیم سالگی به مکتب رفت و در مدت هفت ماه خط شناس گردید.

4 – مامای بیدل میرزا ظریف نام داشت .

5 – قدیمی ترین پرچم (اعلم) که هنوز هم باقی ست متعلق به کشور دنمارک است و بنا بر روایت تاریخ این بیرق به سال 1219 م تعلق میگیرد.

6 – کاکای بیدل میرزا قلندر نام داشت.

7 – تخلص بیدل در آغاز رمزی بود .

8 – معنای تصوف عقیده یا مذهب صوفی ها می باشد.

9 – عرفان مصدر عربی و به معنای شناختن است .

10-- ادیسون مخترع گروه برق ، گراما فون ... و پروچکتور سینما است.

11-- ادیسون برای گروه برق 4000 بار به آزمایش پرداخت.

12—250 اختراع به نام ادیسون ثبت شده است.

مردم را نداشته باشد و اینکه او را کسی می پذیرد و یا نمی پذیرد باکی نداشته باشد بلکه او باید تنها متمسک به ایدئولوژی اسلامی بوده و فقط همین ایدئولوژی را تصریح نماید بدون اینکه در آن کدام چیز دیگری را داخل سازد و هرگز برای پیروان ایدئولوژی های دیگر نگوید که شما در تمسک به ایدئولوژی تان آزاد هستید بلکه آنها را بدون جبر و اکراه به ایدئولوژی اسلامی دعوت نماید تا ایشان آنرا به پذیرند زیرا دعوت اسلامی بجز خودش چیز دیگری پذیرفته نمیتواند و باید که سیادت خاص متعلق به او باشد و بس.

الله سبحانه و تعالی در سوره توبه آیه 33 میفرماید: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (33)** یعنی : آن ذاتی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاده تا بر همه ادیان غالبش سازد گرچه مشرکین در زمینه مکر و حيله نمایند و بد پندارند.

پس رسول الله (ص) زمانی که رسالتش را بجهان پیشکش نمود، همه را چلنج داد و به راهی که دعوت مینمود، ایمان داشت. همه دنیا را به چلنج خواست و بر سیاه پوستان و سفید پوستان جهان جنگ را در حالی اعلان نمود که هیچ تقالید، عادات و رسوم ادیان و عقاید مردم را مد نظر نگرفت چنانچه در زمینه از حکام و قوماندان ها باکی نکرد و بدون از رسالت اسلام بچیز دیگری متوجه نشد. علاوه آنحضرت (ص) بر خدایان قریش عیبجویی نمود و قریش را در معتقدات شان بیخرد و جاهل دانست در حالیکه او یک فرد تنها و بدون امکانات بود که کدام کمک کننده نداشت و بدون سلاح ایمان عمیق به اسلام که بدان فرا میخواند، دیگر هیچ سلاح نداشت و هیچ پروای عادات و رسوم و عقاید عرب را نکرده و هکذا با ایشان در راه دعوت اسلامی زبان چربی و تملق و چاپلوسی نکرد.

همین سان مسئول دعوت اسلامی باید عادات و تقالید و افکار مریض و مفاهیم غلط جامعه را مورد سوال قرار داده و حتی نظر عام مردم را در صورتی که غلط باشد، رد نموده و به چلنج بگیرد اگر چه در این راه بمشکل مواجه شده و یا هم در معرض تعصب اهل آن دیار قرار گیرد. سعدی شیرازی(رح) چه خوب گفته است:

موحد چه بر پای ریزی زرش چو فولاد هندی نهی بر سرش

امید' هراسش نباشد ز کس همین است بنیاد توحید و بس.

نویسنده : ابوالریاض عبدالظاهر رحیمی الله یاری

13-- پیروان دین مبین اسلام در حدود یک و نیم میلیارد می باشد.

14-- پیروان دین مسیح به بیشتر از یک میلیارد می باشد.

15-- پیروان دین یهود در حدود سیزده ملیون می باشد.

16-- توکیو پر جمعیت ترین شهر در جهان میباشد.

17 – قرآن شریف بیست و پنج نام دارد .

18 – حرف (ب) در قرآن کریم یازده هزار و چهارصد و بیست بار ذکر شده است.

19 – قرآن کریم به حرف (ب) شروع و به حرف (س) ختم میگردد.

20 -- لاوازیه را پدر علم کیمیا میگویند.

21 – تعداد ممالک جهان به 232 کشور میرسد .

22 – مساحت تمام روی زمین سیزده میلیارد میل مربع است .

23 – تعداد همه غزوات (29) میباشد .

24 – حضرت ادريس به 72 زبان تکلم می کرد .

تهیه و ترتیب : عبدالرشید " فرجاد " متعلم صنف یازدهم لیسه سلطان شهاب الدین غوری

نکات آموزنده در باره توبرکولوز یا سل :

توبرکولوز چیست؟

توبرکولوز یک مرض مزمن انتانی بوده که در اکثریت وقایع سبب آن میکرو باکتریوم توبرکولوز میباشد گرچه انتان نوع بقری(گاوی) امروز در ممالک پیشرفته بنابر معدوم ساختن حیوانات منتن و معافیت دادن به حیوانات دیگر عمومیت ندارد ولی تا هنوز در کشورهای روبه انکشاف شیوع زیاد دارد بنأء در افغانستان باید شیر قبل از مصرف کردن خوب جوشانده شود تا از منتن شدن نوع انتان بقری یا گاوی جلوگیری شده بتواند . در حدود ۹۰٪ افرادی که توسط میکرو باکتر یوم توبرکولوز آلوده شده اند دارای عفونت نهانی میباشد. شخصی که یک یا چند علائم زیر را داشته باشد وی مبتلا و گرفتار به بیماری سل یا توبرکولوز گردیده است:

آثار و علایم توبرکولوز:

- ✓ سرفه دوام دار بیشتر از دو هفته .
- ✓ بی اشتهاپی و کم شدن وزن بدن.
- ✓ عرق شبانه حتی در هوای سرد.
- ✓ موجودیت خون در بلغم .
- ✓ لاغری و ضعیفی .
- ✓ تب .

در صورت بروز این علایم به نزدیکترین مرکز صحتی مراجعه شود.

چگونگی انتشار توبرکولوز: منتن شدن اکثراً از طریق سیستم تنفسی بواسطه انشاق باسیل توبرکولوز صورت میگیرد. توبرکولوز از آفت ابتدائی ریه به واسطه جریان خون، سیستم لمفاوی، قصبی و یا توسعه مستقیم به دیگر حصص عضویت انتشار نموده و هر عضو را متاثر میسازد.

سرایت توبرکولوز: توبرکلوز معمولاً توسط قطرات منتن از یک شخص مصاب به توبرکولوز ریوی به اشخاص دیگر صورت میگیرد. این قطرات از طریق سرفه و عطسه که میتواند حدود ۳,۰۰۰ ریز قطره عفونی تولید کند از دهن مریض خارج و به هوا منتشر میگردد، قطرات نازک و کوچک بزودی خشک شده و با ذرات گرد و خاک می چسبند. ذرات کوچک برای چندین ساعت در هوا باقی میمانند. صرف ذرات که قطر آنها کوچکتر از 10 میکرو- متر میباشد به انساج رسیده میتوانند و ذرات بزرگتر در طرق تنفسی علوی باقی میمانند که بعداً توسط جریان اهداب مخاطی خارج میگردد و اکثراً بلعیده میشوند. بنابراین افراد مبتلا هنگام عطسه و سرفه باید همیشه برای پوشاندن دهان و بینی خود از دستمال استفاده نمایند و پس از آن، دستهای خود را با دقت بشویند.

چطور یک مریض توبرکولوز میتواند از انتشار میکروپ توبرکولوز به دیگران جلوگیری کند؟

- ✓ پیشگیری از آلوده شدن به سل و کنترل تماسهای افراد و همچنین واکسیناسیون توسط **واکسن ب.ت.** بهترین شیوه مبارزه با سل است.
- ✓ با گرفتن منظم تداوی توبرکولوز، شفا یافتن از مرض.
- ✓ با پوشاندن دهن و بینی در زمان سرفه و عطسه زدن.
- ✓ با تبدیل نمودن هوای اطاق به صورت منظم.

میتواند از انتشار مرض به دیگران و فامیل خویش جلوگیری کندو اشخاصی که در تماس به مریض توبرکولوز اند، باید معاینه گردند.

دفتر گلوبل پارتنر تا اکنون در پنج ولسوالی ولایت غور پراگرام داتس رابه پیش میبرد که عبارتند از: چچران، دولتیار، چهارسده، نیوره و پسابند. در سال گذشته(2011میلادی) در حدود 200 نفر مبتلاء به مرض توبرکولوز شفایاب ، 145 نفر مریض تکمیل تداوی، 10 نفر فوت، 5 نفر غیرحاضر و 15 نفر رجعت گرفتند. همچنان از آغاز سال روان تا حال مجموعه افراد که تحت تداوی قرار دارد 385 نفر می باشند.

نویسنده : ملا خیر محمد مددی سرپرست پرو گرام داتس (DOTs) در دفتر گلوبل پارتنرز مقیم چچران ، ولایت غور.

به ادا نه بحث تبلی...

محیط زیست

عوامل غیر زنده:

درمبحث قبلی عوامل زنده وارزش آنها بالای محیط زیست توضیح شد. دراین مبحث روی اهمیت واترات عوامل غیر زندهٔ محیط زیست مختصر صحبتی بعمل می آید. مهمترین عوامل غیر زنده را خاک، آب وهوا تشکیل میدهند. هریک ازاین عوامل زندگی سازاند . درحقیقت ازتجمع این سه چیز ودخالط نور وحرارت حیات بوجود آمد . هرکدام ازاین عوامل بهر تناسبی صدمه به بیند، بهمان میزان حیات زنده جان ها آسیب پذیر می شود. درزیر روی هرکدام جداگانه توضیحات داده می شود.

1. خاک

جزء خیلی مهم وبارزش محیط زیست میباشد. خاک محل زیست موجودات خشکه زی وجوامع انسانی بوده ازهمه مهم اینکه عمده ترین منبع تامین غذا برای انسان ودیگر زنده جانها میباشد. خاک همه ضرورت های زندگی را تهیه میسازد. درصورت عدم ان نه غذایی ، نه میوه ئی ونه سبزی بی برای خوراک زنده جانها یافت میشود. افزون برآن، خاک محل دفن اجساد تمام انسانها ودیگر زنده جانها بوده بدین لحاظ پرده پوش تعفن اجساد انسان ودیگر زنده جانها میباشد.

عوامل تخریب کنندهٔ خاک: عواملی که خاک را بیجا میسازند ویا تخریب می نمایند آب وباد میباشدند. این هردو سبب میشوند تا خاک یا ازجایش کنده شود ویا نابود گردد چنانچه بچشم سرمی بینیم مقدار خاکی که همه ساله توسط دریای هریرود کنده وبرده میشود از محاسبه بیرون است و درایم خشکی سال مقدار خاکی که توسط باد بشکل گرد وخاک بخوا بلند شده وبجاها محمد نصیر " نخبه "

ی دیگر برده میشود بیرون از قیاس وهوم ما میباشد درحالیکه بخاطر تشکیل یک سانتی متر خاک گذشت 300 – 400 سال وقت بکاراست. پس بنا به اهمیتی که خاک درزندگی ما دارد ، باید بفکر حفظ ونگهداری خاک های خود باشیم واجازه ندهیم تا این سرمایهٔ خدا دادگی از دست ما بهدر برود وحیات مارا به مخاطرهٔ جدی بیندازد. دراین راستا باید سه عمل کرد رامنحیث وظایف اولیه واساسی خویش قرار دهیم.

- نگذاریم که خاک محل ومنطقهٔ ما توسط آب وخاک بیجا شده وناپدید شود.
- ازاثر فعالیتها وکارهای یومیه سبب آلوده شدن آن نشویم.
- سطح حاصلدهی یا قوت تولیدی آنرا قویا حفظ ونگاه داریم.

بخاطر جلوگیری از تخریب وبیجاشدن، باید سطح زمین را دایم با گیاهان پوشیده داشته باشیم تا مانع فرسایش وتخریب آن شود. درحال حاضر قطع جنگلات، کندن بته ها برای سوخت و چرای بیش ازحد چراگاه ها سبب لوچ گردیدن خاک گردیده وزمینۀ فرسایش آنرا توسط باد وآب بسیار آسان ساخته است.از طرف دیگر این پروسه باعث بمیان آمدن بیابان زائی نیز گردیده و میگردد که نتیجه اش تبدیل شدن ساحه به محل بی گیاه وآب باران میشود. ازاثربابودی فرش گیاهی میزان بارندگی تغییر یافته واکثرا سبب توقف آن میشود ویا اگر باران هم بیارد، بی موقع وناناسب میباشد. درصورتیکه گیاهان به وفرت درخاک موجود باشند، درجه حاصلخیزی آنرا از طریق افزایش بقایای خود (افزودن مواد عضوی درخاک) وقتا فوقتا زیاد ساخته ازاین نگاه خاک به اندازهٔ مطلوب حاصل خیز میشود.

پدیدهٔ دیگر عبارت از آلوده شدن خاک میباشد. خاک از سه طریق آلوده میگردد:

- استعمال ادویه جات ومواد کیمیای مختلف درزراعت.
- بقایا ومواد نامطلوب حاصله از صنایع مختلف.
- سرازیر شدن زباله ها، فاضلاب های شهری و مواد کیمیای شفاخانه ها .

به منظور جلوگیری از آلودگی، باید درتاسیس صنایع، انداختن کثافات وزباله ها و دفع آبهای مستعمل بی اندازه دقیق و هوشیار باشیم. زیرا همینکه خاک تخریب شود ویا آلوده گردد ازحاصلدهی باز مانده درنتیجه زندگی ما ودیگر جانوران بخطر جدی تاسرحد نابودی مواجه میشود. لذابی احتیاطی وبی اعتنائی ما درمقابل خاک بمعنی عدم توجه ما درزندگی میباشد ومثل اینست که دست به خود کشی بزنیم وبه زندگی خویش خاتمه دهیم. البته از دید اسلام خود کشی بدترین جرم وگناه نزد باری تعالی میباشد.

این انسان است که محیط زیست خودرا خراب می سازد. دیگر جانوران چنین کاری نمیکند. پس امروز حرف ما روی محیط زیست عبارت از انسان وفعالیت هایش میباشد. درجوامع پیشرفته به پوشش گیاهی بی اندازه ارزش قایل اند وبکسی اجازه نمیدهند که گیاهی را قطع کند ویازنده جانی را بکشد چنانچه درکشور چین حکم اعدام به اشخاصی داده میشود که درختی را بی موجب قطع کرده باشند. اما این کشور بی بند وبار وخود کام افغانستان است که به هیچ چیز جز دستور شیطان اهمیت قایل نمی باشد.

ادامه دارد...

بنام آنکه هستی نام ازویافت فلک جنبش زمین آرام ازو یافت

جایگاه پدر و مادر در اسلام

14 – عادت دادن فرزندان در نیکوکاری با والدین .

15 – آشتی دادن پدرو مادر و از میان بردن کدورت های ذات البینی شان .

16 – اجازه خواستن از پدرو مادر قبل از ورود به اتاق شخصی ایشان.

17 – فهماندن امورات دینی را که نمی دانند با لحن شیرین و دلکش. درصورت قبول دار نشدن از صبر و شکیبایی باید کار گفته شود.

18 – نظرخواهی و مشورت در امورات کاری و مقدم قراردادن گفتار شان.

19 – حفظ و نگهداری آبرو عزت شان.

20 – نکوهش و سرزنش نکردن ایشان در مواقع که اشتباهی از دست شان سر میزند.

21 – انجام اعمالی که باعث سر فزای ،سربلندی و خوشنود پدرو مادر واقع گردد.

22 – دوری از ایجاد مزاحمت برای این دو نعمت الهی .

23 – طلب دعا ،استدعا شفا از بارگاه رحمت حق سبحانه در دوران حیاتشان.

24 – نیکی و خدمت ، صدقه دادن به رحمت ارواح ، وفا نمودن به عهد و دوستی نمودن با دوستان ، هم صحبتها و یاران پدرو مادر.

محمد نصیر " نخبه "

داشتن یک دوست خوب:

میگویند دو دوست در بیابان به یک استقامت روان بودند. در جریان سفرشان آنها باهم دعوا و مشاجره نمودند یکی از آنها یک سیلی محکم به صورت دوست خود زد طوریکه صورت وی زخم برداشت، اما رفیقش تحمل کرد و چیزی بزبان نیاورد. بروی ماسه نوشت که:" امروز بهترین دوستم مرا به سیلی زد. و به رفتن خود ادامه دادند تا زمانیکه به یک جای پر از آب رسیدند و درآنجا تصمیم گرفتند که باید آ ب بازی نمایند. رفیق که سیلی خورده بود خود را به یک باتلاق انداخت، او قریب بود که غرق شود که رفیقش وی را نجات داد. بعد از اینکه وی جان به سلامت برد، به روی سنگ نوشت که:" امروز بهتری دوستم مرا نجات داد." رفیقش پرسان کرد:" یک زمانیکه من ترا به سیلی زده بودم شما بروی ماسه نوشته کردید". چرا؟ حالا به روی سنگ می نویسید. رفیقش جواب داد:" اگر کسی باعث صدمه و آزار ما شود، ما باید بروی ماسه بنویسیم تا که باد عفو و گذشت ان را پاک کند، اما اگر کسی به ما نیکی میکند ما باید بروی سنگ آن را حک کنیم که هیچ وقت اثرات آن توسط باد و حوادث روزگار از بین نرود.

هدف داستان فوق چیست؟ آیا شما چنین دوست را در زندگی تان تجربه کرده -اید؟

ترجمه از انگلیسی: سخی مراد غوریانفر دانشجوی سال اول ادبیات انگلیسی دانشگاه کابل

جوان کیست ؟

جوانان یک نهاد اجتماعی حساس هستند درهرجامعه ای ، جوانان به عنوان سرمایه های اصلی یک جامعه تلقی می شوند ؛ چراکه این همان نسلی اند که قرار است حرکت یک جامعه درآینده ها به دست آنها رهبری شود وهمین جوانان می باشند که دارای ابعادواجزابوده ودارنده تحرک ونشاط ، جمود ورکود ، حیات وممات و... اند البته طوریکه برای همه هویدااست اینکه اجسام حیه برای استمرار حیات و تنازع بقا ضروریاتی را دارند ، پدیده ایست میرهن و آشکارا ، نیازمندی های اولیه از قبیل اوکسیجن ، آب و غذا برای هر زنده جان لازمست . انسان که موجود هوشیار و متفکر بوده ابزار ساز است ، علاوه از ضروریات اولیه ، نیازمند تعدادی از ضروریات ثانوی نیز میباشد . از قبیل خانه ، پوشاک ، پول ، خانواده ، فرزند ، جامعه ، تربیه ، آموزش ، معرفت ، تعاون ، عطوفت ، محبت ، سعادت ، تفریح ، موسیقی ، سپورت ، و سایر خواست ها و آرزو ها که در درجهء دوم به آن محتاج میباشد . خوشبختی جامعه زمانی متصور است که افراد آن با درایت و پشتکار برای حصول این مامول کار و پیکار مستمر و مداوم کرده نیازمندی های خود را مرفوع سازند . از آنجا بی که اطفال و نوجوانان بالنده و آینده ساز اند ، در محراق توجه قرار داشته برای پرورش ، تربیه و آموزش آنها بذل مساعی میگردد . بیشترین سهم تلاش و زحمت در راه نیل به سعادت بشری بدوش جوانان جامعه گذاشته شده است . این جوان است که با انرژی فکری و جسمی میتواند بوجه احسن چرخ زندگی را به حرکت آورده به پیش برد . در رسیدن به این رسالت ، باید فرزندان تحت تربیه و آموزش علمی ، دقیق و منطقی قرار گیرند تا آماده برای خدمتگذاری و ترقی کشور و جامعه گردند .

جوانان آرزو دارند که سالم بوده ، مهارتها و توانایی های لازم را داشته باشند ، از علمیت و دانش برخوردار باشند ، قدرت و توانایی کار و پیکار در امور زیست و جامعه را داشته باشند ، ارزشهای جامعه را بدانند ، از طرف جامعه مورد پذیرش قرار گیرند و در اجتماع از مقام خوبی برخوردار باشند . رسیدن به این اهداف مستلزم کسب دانش و هنر است که از طریق پروسهء آموزش و پرورش تامین شده میتواند . برای اینکه جوانان با میل و رغبت در پی کسب علم و معرفت شوند ، باید انگیزه ای برای این مامول داشته باشند . ایجاد انگیزه و دلچسپی رکن اساسی آموزش میباشد . البته انگیزه مربوط به نیازمندی افراد است . در صورتیکه آموزگار ضروریات و نیازمندی های شاگرد را کشف نموده به آن ارج بگذارد و در راه رفع آنها اقدام عملی و مونثر نماید ، به یقین که در امر راهنمایی و تدریس موفقیت های لازم را کسب مینماید . بدون در نظر داشت ضرورتها ، انگیزه ای برای یادگیری و تربیه وجود نداشته زمینه های دلچسپی ایجاد نخواهد شد . مسنولین آموزش و پرورش با برنامه ریزی خاصی زمینه های ایجاد انگیزه را مهیا میسازند . پروگرامهای درسی ، نصاب تعلیمی ، روشهای تربیتی ، متود های سایکالوژیکی و روانشناسی ، مهارتهای پیداکوژیکی ، کار های عملی و فکری همه در جهت ایجاد این زمینه ها توجیه هستند . با تشخیص ضروریات و نیازمندی ها ، به مربی و آموزگار فرصت دست میدهد تا طور علمی و ساینفتیک بمسایل آموزش و پرورش پرداخته موفقیت های مزیدی حاصل گردد .

استادمان "رهنم" رستی

خداوند عظیم الشان می فرماید : کمترین اهانت به پدر و مادر مکن و حتی سبک ترین تعبیر نا مؤدبانه همچون اُ ف به آنان مگو برایشان فریاد مزن وبا کلمات مؤدبانه با پدر و مادر سخن بگو وبال تواضع ، فروتنی و مهربانی را برایشان فرود آور و از خصم عجین بپرهیزد. (سوره اسرای ، آیت 23 – 24)

راوی مختصر البخاری روایت می کند که: شخصی نزد رسول اکرم (ص) آمد و از ایشان پرسید؛ ای رسول خدا چه کسی نزدم از همه سزاوار تر به نیکی است ؟ رسول مبارک(ص) فرمودند: مادرت . بار دوم پرسید، بعد چه کسی ؟ رسول الله (ص) جواب دادند مادرت. بار سوم پرسید که سپس چه کسی ؟ رسول الله (ص) بازهم خطاب کردند مادرت و بار چهارم پرسید که در مرحله بعدی چه کسی ؟ ایشان فرمودند که پدرت .

پس معلوم شد که جایگاه پدر و مادر در دین مقدس مبارک اسلام خیلی ارزنده و یکی از موضوعات بسیار گرم و چنانچه از حدیث پیامبر بزرگ و سرور عالم بشریت پیداست که حق مادر سه برابر پدر است : چونکه طفل وقتی که برای اولین بار نقش می بندند در جنین مادر است و همان مادر نه ماه آنرا به بطن خود حمل می کند تا اینکه چشم میگشاید و به دنیای مادیات معنویت قدم و گام می نهد و در این همه مرحله ها شریک غذا ، رنج و درد ، تکلیف ، مصیبت ها و زحمات مادر بوده و جمله مشکل را متقبل شده که گاه این ها منجر به از دست دادن جان شیرین و حیات خوش طبع مادر می گردد این مادر است که دو سال تمام با همه مشقت و سختی ها دست و پاچه نرم می کند و این اولاد راه به شیر پستان های خود بزرگ میکند و استراحت و آسودگی ایام را وداع میگوید ، شبها را کنار بستر -اش صبح و اوقات را با وی صرف می کند تا این فرزند شخص و فردی صالح و نیکو به بار آید.

طوری که برای همه ما و شما هویدا و آشکارست ،جهاد در اسلام از مقام والا و ارزشمند برخوردار میباشد. زمانی مردی از یمن در مدینه رفت تا هم رکاب پیامبر اکرم در غزوات باشد پیامبر از آن پرسید آیا در یمن کسی را دارید ؟ مرد جواب داد:" بلی پدرو مادر من در قید حیات هستند . بعد پیامبر سوال نمودند که آیا از آنها اجازه گرفته -اید؟ مرد گفت: نخیر پس رسول اکرم (ص) برایش گفتند که شما باید بر گردید، از پدر و مادر خود اجازه بگیرید و اگر با شما موافت نکردند با آنان نیکی کن .

آداب زندگی با پدر و مادر:

در این باره الله (ج) می فرماید : با ایشان در دنیا به شیوه ، طرز نیک و شایسته بگونه بی وابسته و همیشگی رفتار کنید. (سوره لقمان آیه 15).

در این قسمت برای بهتر ساختن اصلاحات در خانواده ها بر مبنای بعضی از موضوعات که از دید همه دارای اهمیت بسزایی بوده که ذکر آنها برای فرد فرد مسلمان لازم و دانستن آنها حتمی و ضروری میباشد :

1 –اطاعت و فرمانبرداری از والدین.

2- احسان و خوبی به پدر و مادر در کردار و گفتار.

3 – تواضع و فروتنی در مقابل پدر و مادر.

4 – اجتناب از خشمگین کردن و ناراحت ساختن پدرو مادر چه از طریق گفتار باشد و یا عمل و کردار.

5 – گوش دادن به حرفها و سخنان ایشان ، قطع ننمودند سخن آنها و دروغگو نکردن آنان.

6 –ابراز خشنودی از انجام دادن اوامر شان و به زبان نیاور دند کلمه که حاکی از نارضایت باشد.

7 – برخورد سالم با پدر و مادر و با جبین گشاده و باز رو برو شدن با ایشان.

8 – پیش دستی کردن در سلام دادن برای پدر و مادر و بوسیدن دست و پای ایشان.

9 – نشستن باصورت مؤدبانه در برابرشان .

10 – خدمت کردن و اهدای تحایف برای پدر و مادر.

11 – کمک به پدر و مادر در کارهای خانگی و بیرونی.

12 – دوری از پرخاش و مشاجره همرابی برادران ،

خواهران و یا همسر و فرزند در حضورشان.

13- پاسخ دادن سریع و صریح به ندای پدرو مادر.

انجمن اصلاح البیان جوانان

الله یار

کمیته فرهنگی جوانان نهاد الله یار کوشیده است تا در سال جاری انجمن تبلیغی و مقاله نویسی را دایر نماید تا جوانان این نهاد بتوانند احساسات، نظریات و پیشنهادات خود را بیان کرده و همچنین چیزها را که می آموزند به دیگران بیاموزانند.

این انجمن هر هفته ساعت هشت بجه صبح روز جمعه در مسجد مولانا عبدالقادر واقع در جنب بالایی دارالایتم زیر گنج سابق دایر میگردد .

کمیته فرهنگی سعی و تلاش نموده است تا این انجمن جوانان نهاد الله یار را طوری برگزار نماید که همه به خوبی حضور یافته بتوانند .

جوانان نهاد الله یار از مکاتب و مدارس مختلف تحت شهر چنچران جهت برگزار انجمن در مکان مذکور تشریف می آورند که عبارتند از:

1. شاگردان دارالعلوم عالی ابوحنیفه (رح) غور اعم از متعلمین و محصلین .
2. شاگردان لیسه سلطان علاء الدین غوری.
3. شاگردان لیسه سلطان شهاب الدین غوری.
4. شاگردان لیسه زراعت مرکز غور.
5. شاگردان لیسه سلطان رضیه غوری.

رفع اختلافات ذات البینی میان جوامع:

از آنجائیکه دین اسلام خواهان تامین عدالت اجتماعی در روابط انسانی و تقسیم برابر فرصتها نعمت ها در بین مردم میباشد ، به ما کمک میکند تا رابطه مردم را با مردم و دولت بر مبنای عدالت تنظیم نماییم و از ظلم و تعدی و تجاوز به حقوق و آزادی های اساسی انسانها جلوگیری کنیم.

انسانها در طول تاریخ به بهانه های مختلف قربانی های ظلم و ستم و خشونت بوده اند، گاهی به نام برتری نژادی و گاهی به خاطر تعلق به یک سرزمین خاص و گاهی به خاطر غلبه بر بالای یک برادر مسلمان قربانی شده اند. یک نگاه کوتاه به جامعه اعراب دوره جاهلیت قبل از اسلام انداخته می بینیم که در این جامعه انسانها به برده گی و غلامی گرفته می شدند ، حق علویت و اولویت در این جامعه از طبقه اشراف و ثروتمند بود ، برای طبقه مستضعفان هیچ حق را قابل نبودند ، مردم آن جامعه به جاهلیت و گمراهی به سر می بردند، بت پرستی ، ستاره پرستی و آتش پرستی در بین مردم رایج بود.

لیکن با موجودیت اینهمه دشواریها، دین مقدس اسلام مساوات و برابری را در بین انسانها حاکم ساخت و هیچگونه امتیاز، برتری و تبعیض در بین بلال حبشی سپاه پوست و ابوسفیان رئیس ثروتمندان طبقه اشراف قریش دیده نمی شد مگر از حیث تقوای در پیشگاه خداوند بزرگ .

پس این اختلافات ذات البینی و جنگ های امروزی منطقی که در بین نژاد های مختلف صورت میگیرد از دیدگاه اسلام مورد پسند نبوده و حتی کسانی که از اسلام هیچ خبر ندارند بنام مجاهد بالا شده و برعبله برادران مسلمان خود قیام میکنند و از هیچگونه قواعد اسلامی اطلاعی ندارند. دین اسلام این گونه اشخاص را محکوم کرده ، کشنده و کشته شده گان ایشان را از خود ندانسته و جای آنها را جهنم می خواند. بنا به گفته پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص) که می فرماید :

هم چنین محصلین موسسه عالی تعلیم و تربیه غور نیز اشتراک می نمایند. تمامی شاگردان عضو نهاد اعم از متعلمین و محصلین در روزهای جمعه منظم در مسجد مذکور حضور بهم رسانیده و انجمن خود را دوستانه و با علاقه مندی به پیش می برند . علاوه کمیته های فرعی کاری نهاد حسب ذیل به حاضرین شناسانده شدند:

1. کمیته اطلاع رسانی عبدالصیر نادر افشار ، ضیاءاحمد سلطان پور
2. گروه طرح جلسات عبدالرحیم حسن زاده و عبدالرازق حقیر
3. گروه تصحیح اشتباهات عبدالصیر نادر افشار و عبدالرحیم حسن زاده
4. گروه موضوع پرداز عبدالله "واثق" و عبدالرحیم حسن زاده
5. گروه تدارکات عبدالرحیم رحیمی و رحیم الله محمدی
6. گروه نشر و پخش مقالات ضیاءاحمد سلطان پور و عبدالصیر نادر افشار
7. گروه اخذ مقالات ملا عبدالرازق حکمی گلاب الدین سائیس
8. کمیته تصحیح مقالات ملا عبدالرحیم، عبدالصیر، ضیاء احمد ، عبدالرازق

کمیته فرهنگی این نهاد می کوشد تا در آینده برای جوانان فرهنگی این نهاد اصلاحات جدیدی را طرح کند تا اینکه این جوانان فرهنگی بتوانند مشکلات منطقی خود را حل نمایند .

از طرف کمیته اطلاع رسانی انجمن اصلاح البیان جوانان نهاد الله یار

هر گاه دو مسلمان در مقابل یکدیگر با شمشیر های خویش قرار گیرند و هر یکی شان نیت کشتن دیگر را داشته باشند پس کشته و کشته شده هر دو در آتش اند. گفته شد : ای فرستاده خدا این یکی کشته شده است نگاه کشته شده چیست؟ آن حضرت در جواب گفتند: بخاطر یکه او هم اراده کشتن شخص مقابل خود را کرده بود. این است نتیجه اختلافات ذات البینی ، قوماندانان سالاری و جنگهای منطقی از دیدگاه اسلام.

بنام هر فرد جامعه باید وظیفه اسلامی خود را همان طوریکه اسلام برایش اجازه میدهد عمل نماید تا اینکه جامعه بحران زده ما که با فقر فرهنگی و فکری سر دچار است، به سمت صلح و امنیت سوق داده شود و کشتی پر تلاطم این جامعه به ساحل نجات راه یابد.

لویون گوستاو یکی از صاحب نظران غربی در کتاب "تمدن اسلام و عرب" میگوید . اسلام اولین دینی است که تعادل ، اصلاح و برابری را در بین انسانها آشکار ساخته است و حق هر گونه آزادی معقول را به او داده است .

در ماده (23) قانون اساسی کشور که در سال 1382 ساخته شد چنین تصریح شده است که: " زنده گی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد" پس از نظر دیدگاه اسلام ، علمای فقه و قانون اساسی کشور این اختلافات ذات البینی و این جنگها حق زنده گی انسانها را گرفته که باید هر جامعه این اختلافات را از خود دور سازد چون این حق مسلم هر انسان میباشد. دامن زدن این اختلافات در ناحیه، قریه و شهر از جمله کار های نادرست و غیر قانونی به شمار میرود. اگر این اختلافات دامن زده شود و جلو آن مهر نگرند، حقوق فردی و اجتماعی انسانها تلف و نابود میگردد

به نظر نویسنده رکود اقتصاد مردم در جامعه به سبب اختلافات ذات البینی و جنگهای داخلی بروز مینماید. شخصی که مصروف کار خود است بجای اینکه کار خود را انجام بدهد زمانیکه این جنگها دامن میزند تنگن برداشته به کوه بالا میشود که در حقیقت حق خود را خود نقض کرده است. از اینجاست که رفته رفته اقتصاد کشور ضعیف و زوال میرود.

نویسنده:

عبدالصیر افشار معلم صنف دوازدهم

دارالعلوم غور

پیام تبریکی عبدالعزیز "فانی" :

محترم ملا عبدالعزیز با تخلص فانی یک تن از علمای قراء غار الله یار شعری را به عنوان تبریکیه به آدرس نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار بویژه ماهنامه نهاد جوانان آن سروده و ارسال نموده است که ذیلا باهم میخوانیم :

ای جوانان صد شکر زین نهاد

جای شمشیر از قلم سازید جهاد

بهر این ملت. یقین در همت اید

عاشقان مصدر صد خدمت اید

تاریخ زیبای قوم ناتوان

کاش! سازید روشش تا کهکشان

این بود اندر صداقت بهر دین

وحدت یکپارچه گی (حبل المبین)

افتخار مردم گمنام شنیدید

مظلومان را تحفه و انعام شنیدید

نسل بعدی از شما دارد امید

تاریخ فرهنگ را دادیدنوید

باز تبریک با جوانان نهاد

با که ومه شیر مردان نهاد

فانی مسکین دما گوی شما

حاسدان دور از سری کوی شما

- برادر و خواهرم ! خانه برای سکونت ، غذا برای خوردن ، آب برای نوشیدن ، لباس برای پوشیدن ، همسر که در کنارش آرام بگیری داری؛ پس چرا غم میخوری؟ غم خوردن دشمن را شاد و دوست را ناراحت، آب شیرین را تلخ و آینده تان را افسرده و نا امید میکند.
- خداوند برایت چشم، گوش، لب، دندان، دست وپا، زبان، تندرستی و از همه بهتر عقل سالم اعطا نموده است؛ پس چرا غم میخوری؟ به دسیسه مردم مکن چون هیچ سودی در دست آنها نیست؛ نه مرگ در دست آنهاست و نه زنده گی؛ بدون شک الله دانا است.
- هر که از بالا رفتن به کوه ها بترسد، همواره در میان چاله ها زنده گی خواهد کرد.

آگاهی ماهنامه: ماهنامه الله یار بدین طریق از عموم محصلین، شاگردان مکاتب، ملا امامان، نویسندگان شعر و ادب صمیمانه آرزومند است، تا نوشته های خویش را در مورد نام این نشریه عنوان ماهنامه "الله یار" برای اصلاح مان بفرستند. انتقادات، پیشنهادات و نظریات شما از طرف هیئت رهبری این ماهنامه پذیرفته میشود، هدف از نشر این ماهنامه خاص برای شناسایی و هویدا ساختن منطقه گم نام و فرا موش شده الله یار بوده و میباشد.

اداره ماهنامه الله یار

صاحب امتیاز: نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار

لعل میر دانشور مرادی (0773494746 – 0799389847)

محمد زمان رفعت (0700354045)

سمیع الله همدرد پور (0796655178)

عبدالصیر افشار (0795028425)

ramin_revaz@yahoo.com

lalmirmoradi@gmail.com

محمود بی پروا و گروه نویسنده گان

دفتر نهاد جوانان الله یار قریه نو آباد غار همکار: نصیب الله "سید"

مردم الله یار

مدیرمسؤل:

معاون مدیرمسؤل:

سر دبیر:

معاون سردبیر:

آدرس الکترونیکی:

هیئت تحریر:

آدرس ما:

تمویل کننده ها:

مدیرمسؤل در ویرایش دست باز دارد و بدون از سر مقاله دیگر مطالب نظر نویسنده میباشد.